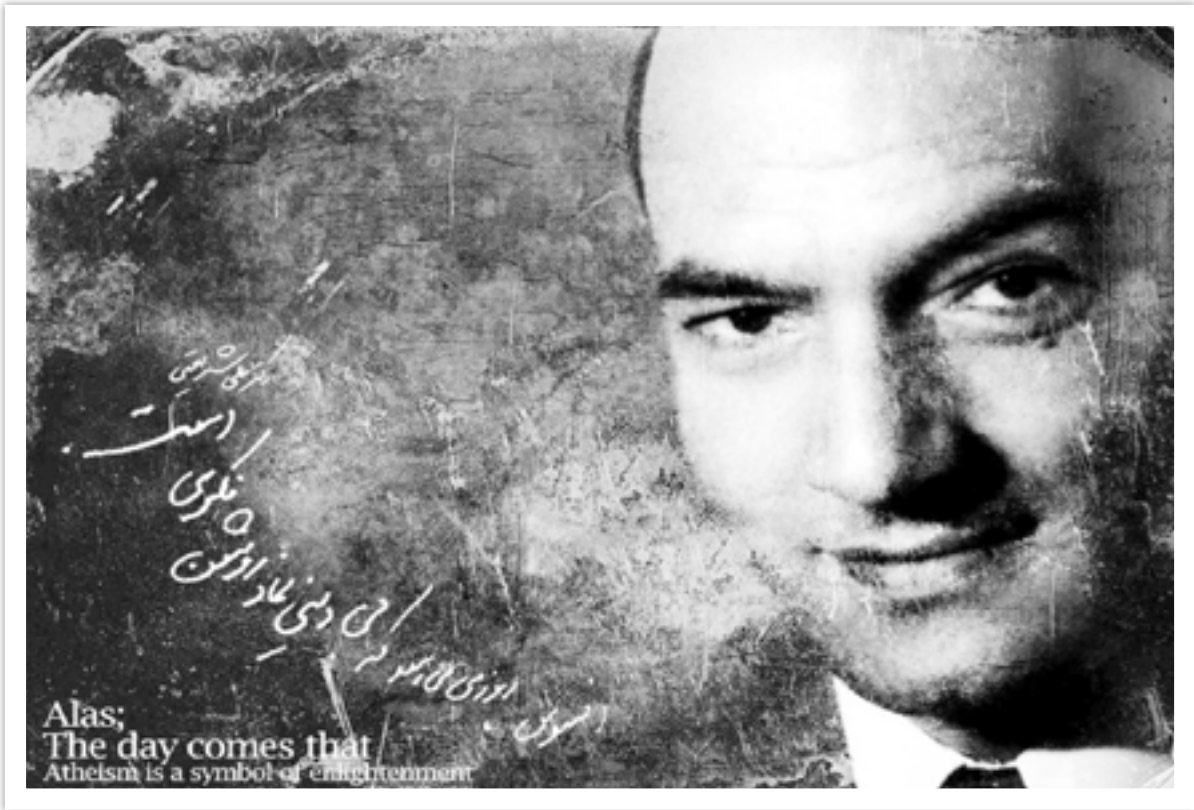


چرا شریعتی در پی پروتستان‌سازی از اسلام بود؟

سکولاریسم و استبداد ما حاصل پروژه پروتستانیزم



روزهایی که به واسطه سالروز درگذشت علی شریعتی، سخن از وی زیاد در میان می‌آید؛ می‌تواند بهانه‌ای باشد برای بررسی برخی نظر یات وی که گرچه خدماتش را خصوصاً در ایجاد علامت سؤال و تشجیع جوانان در مسیر انقلابیون دانست اما حاصل برخی ایده‌های وی با اندیشه اسلامی سرسازگاری چندانی ندارد. یکی از همین تناقضات را می‌توان در طرح ایده «پروتستانیزم اسلامی» توسط وی یگیری کرد.

■ ■ ■

شریعتی و پروتستانیزم اسلامی

الگوگیری از نهضت پروتستان در اروپا و مکتب مار تین لوتر و ژان کالون (به عنوان رهبران اصلی این نهضت) موضوعی نیست که توسط شریعتی خلق شده باشد؛ بلکه از زمان ظهور روشنفکری در ایران، همواره این ترکیب کاربرد داشته است. به عنوان مثال میرزا فتحعلی آخوندزاده روشنفکر غیرمذهبی عصر مشروطه از جهت طرح این موضوع بر علی شریعتی فضل تقدم دارد. او که آشکارا شدمذهب بود اما به علل اجتماعی ترجیح می‌داد از مذهب برای ریشه پدید برود، قبلاً نوشته بود: «دین اسلام بنا بر تقاضای عصر و اوضاع زمانه به پروتستانیزم محتاج است، پروتستانیزم کامل موافق شروط پرفرور و سیویلیزاسیون مضمئن آزادی و مساوات حقیقیه هر دو نوع بشر (زن و مرد) مخفف دیسپوتیزم سلاطین شرقیه در ضمن تنظیمات حکیمانه مقرر و موجب سواد در کل افراد اسلام دکوراً و اناً».

شریعتی نیز در پیروی از برخی روشنفکران و البته با قرائت اختصاصی خود، ایده پروتستانیزم اسلامی را به صورت ویژه مورد تأکید قرار می‌داد: «وشنفکر باید به ایجاد یک پروتستانیزم اسلامی بپردازد تا همچنان که پروتستانیزم مسیحی اروپای قرون وسطی را منجر کرد و همه عوامل انحطاطی را که به نام مذهب و سرنوشث جامعه را متوقف و منجمد بود برسکوب نمود، بتواند فواری آن اندیشه تازه و حرکت تازه به جامعه بپخشند.»

قرائت شریعتی از پروتستانیزم البته با قرائت غرب‌زدگان از این حیث تفاوت داشت که وی چنین می‌انگاشت که نهضت پروتستان نه برای حذف دین رسمی از جنبه‌های مادی زندگی، بلکه اتفاقاً برای کار بردی و عملیاتی کردن آن در عرصه زندگی و رسیدن به یگانگی این دو ماهیت الزامی است. در حالی که در ادامه به تعارض این انگاره با حقیقت تاریخ پروتستانیزم اشاره می‌شود.

شریعتی ضمن طرح اندیشه پروتستان‌ها در اروپا، به دنبال الگو گرفتن از آن و پدید آوردن پروتستانیزم اسلامی در جامعه دینی عصر خود بود. می‌توان گفت این راهبرد تنها روشی بود که شریعتی برای پیشروی در دوران و زمانه خود انتخاب کرده و به همین دلیل تبدیل به مهم‌ترین دغدغه فکری وی شده بود. به همین دلیل می‌توان در

میانه آثار و سخنانش در هر موضوعی گریزی به موضوع و مفاد پروتستانیزم ردیابی کرد و از تحلیل عدل علوی و قیام صلحانه حسینی تا نقد حوزه در دوران معاصر و پس از صفویه، ردیابی از این موضوع را دنبال کرد. وی اعتقاد داشت: «ما باید بر روی موضوع پروتستانیزم تأکید کنیم؛ نه اینکه سلاست و مارکس و ژان ژاک روسو چه می‌گویند. آنها مربوط به دو قرن بعد هستند. ما باید برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم کار کنیم، نه برای رضای نفس یا رضای فکر خردمان. اکنون لوتر و کالون برای ما مهم است. برای آن که آنها مادی‌ها را که هزار سال اروپا را در سنت گرائی نگه داشته‌بود، به یک ماده تحریک‌آمیز و سازنده و ایجادکننده تبدیل کردند. تفکر در این نقل قول شریعتی نشان می‌دهد شریعتی اصلاح‌گری دینی را در واقع زمینه‌ساز هر نوع اصلاح‌دنیایی می‌انگارَد. از نظر او ابتدا باید انقلابی پروتستانی در کشور در راستای اصلاح‌گری دینی رخ دهد و به تبع آن جامعه آماده پذیرش تفکرات امثال روسو و سارتر شود. به عبارتی وی قائل به تقدم اصلاحات دینی بر پیشرفت دنیایی است؛ آن‌هم دینی مانند اسلام که از نظر شریعتی قابلیت‌های تحولی جامع و همه‌جانبه را در خود دارد. حتی از نظر شریعتی دین اسلام از آن جا که

آموزه‌های دنیوی فراتر از مسیحیت در خود جای داده‌است و به رغم آن توصیه‌ای به زهد ننموده است، بیش از دین مسیح می‌تواند در صورت اصلاحات، در خدمت دنیا قرار گیرد: «بر خلاف پروتستانیزم که چیزی که دست‌ناشد و مجبور بود از مسیح و سازش، می‌سسخ آزادی‌خواه و مسئول و جهان‌گرا بسازد؛ یک پروتستان مسلمان دارای توده انبوهی از عناصر بر حرکت و روشن‌گرایی، هیجان و مسئولیت و جهان‌گرایی است.»

دین مسیحیت در حالی که دورانی توصیه می‌کرد، کار قیصر به قیصر واگذار شود و معتقد است اگر لیاست را دزد دینند، شنبل خودت را هم بده؛ پس از نهضت پروتستان به دینی کاملاً دارای جهت‌گیری دنیوی می‌شود، در حالی که دین اسلام به دلیل ماهیت دنیاگرایی، بسیار ساده‌تر می‌تواند این اصلاح را در درون خود اعمال کند. به عبارتی اصلاح و متعاقب آن پیشرفت، در دینی میسر و ممکن است که آن دین اسناداد پیشرفت و اصلاح را درون خود داشته باشد و راهبردهای آن بی‌هیچ دشواری، پیروانش را به سوی جهان‌پذیری و کشف معاد بکشاند. چنین ویژگی‌هایی در اسلام وجود دارد و نه مسیحیت، پروتستان‌های مسیحی مطابق با تفسیر وبر در تلاش‌های دنیایی خود نیز به آنچه او «زهد این جهانی» خوانده می‌آیند. پس در این بین هیچ توجیه و توجهی برای برخورداری این جنبه‌ها که مقدمه تحولات اجتماعی و پیشرفت شده می‌شود وجود ندارد و این رفتار خود نوعی پارادوکس است که یک طرفه دینی در نهایت کوشش و کار، هیچ‌گونه چشمداشتی به دسترنج خود نداشته باشد و برای ثروتمند شدن جامعه و جامعه خود نه تنها پیوسته بکوشد بلکه از درآمد کوشش خود نیز هیچ‌گونه بهره‌مندی و برخورداری نخواهد. وبر معتقد است چنین جادانه‌ای در اروپای پروتستان رخ داده است.

متقابلاً فلاسفه غربی خود اذعان دارند دین اسلام چنانچه شریعتی در طرح «اصلاح‌گری دینی» توقع دارد؛ دینی دنیاگرا (تبریده از دنیا) است و حتی مارکس وبر آن را دین محرک تلاش و سودآوری و «مذهب تجاری شهری» برمی‌شمرد که مضافاًلیه اول به نگاه دنیایی دین اسلام و مضافاًلیه دوم به مدنی بودن آن اشاره دارد.

نقدی بر ایده شریعتی

غایتی که شریعتی با خوش‌بینی تمام نسبت به نهضت پروتستان در نظر گرفته بود، چیزی نبود که با مفهوم سعادت سازد. در واقع شریعتی بسیاری از تعاریف کارکرد پروتستان که در واقع شریعتی بسیاری از تعاریف تاریخ پروتستانیزم اشاره می‌شود. شریعتی ضمن طرح اندیشه پروتستان‌ها در اروپا، به دنبال الگو گرفتن از آن و پدید آوردن پروتستانیزم اسلامی در جامعه دینی عصر خود بود. می‌توان گفت این راهبرد تنها روشی بود که شریعتی برای پیشروی در دوران و زمانه خود انتخاب کرده و به همین دلیل تبدیل به مهم‌ترین دغدغه فکری وی شده بود. به همین دلیل می‌توان در میانه آثار و سخنانش در هر موضوعی گریزی به موضوع و مفاد پروتستانیزم ردیابی کرد و از تحلیل عدل علوی و قیام صلحانه حسینی تا نقد حوزه در دوران معاصر و پس از صفویه، ردیابی از این موضوع را دنبال کرد. وی اعتقاد داشت: «ما باید بر روی موضوع پروتستانیزم تأکید کنیم؛ نه اینکه سلاست و مارکس و ژان ژاک روسو چه می‌گویند. آنها مربوط به دو قرن بعد هستند. ما باید برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم کار کنیم، نه برای رضای نفس یا رضای فکر خردمان. اکنون لوتر و کالون برای ما مهم است. برای آن که آنها مادی‌ها را که هزار سال اروپا را در سنت گرائی نگه داشته‌بود، به یک ماده تحریک‌آمیز و سازنده و ایجادکننده تبدیل کردند. تفکر در این نقل قول شریعتی نشان می‌دهد شریعتی اصلاح‌گری دینی را در واقع زمینه‌ساز هر نوع اصلاح‌دنیایی می‌انگارَد. از نظر او ابتدا باید انقلابی پروتستانی در کشور در راستای اصلاح‌گری دینی رخ دهد و به تبع آن جامعه آماده پذیرش تفکرات امثال روسو و سارتر شود. به عبارتی وی قائل به تقدم اصلاحات دینی بر پیشرفت دنیایی است؛ آن‌هم دینی مانند اسلام که از نظر شریعتی قابلیت‌های تحولی جامع و همه‌جانبه را در خود دارد. حتی از نظر شریعتی دین اسلام از آن جا که

اندیشه

علیرضا پدرام

چرا شریعتی در پی پروتستان‌سازی از اسلام بود؟

■ ■ ■

شریعتی و پروتستانیزم اسلامی

باید تلاش‌مان این باشد اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرفدار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. اسلام طرفدار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لبّ و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرفدار عقلانیت و ضدّ قشوری‌گری، ضدّ تحجّر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن – که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند – اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لایبالی‌گری، بله،

امروز دستگاه‌های فراوانی جوان‌ها را سه بی‌میلاتی، به لایبالی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق می‌دهند. خوب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار؛ اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشه کلیسا، خودش را زندانی می‌کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت می‌کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه مسجد یا گوشه خانه‌ها فرامی‌خواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا، اسلام جهاد و مبارزه با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به عهده همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی ما باید این هدف را دنبال بکنند.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۳/۱۲/۲۱

پیشخوان



توسط اندیشکده برهان

کتاب ریشه‌های نفوذ منتشر شد

کتاب ریشه‌های نفوذ با موضوع واکاوی راهبردها و اقدامات نظام سلطه در پیشبرد نفوذ فکری به همت اندیشکده برهان منتشر شد. به گزارش «جوان»، کتاب ریشه‌های نفوذ با موضوع واکاوی راهبردها و اقدامات نظام سلطه در پیشبرد نفوذ فکری به همت اندیشکده برهان منتشر شد. این کتاب که از مجموعه کتاب‌های جریان‌نگاشت و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است در ۲۲۸ صفحه و در ۵ فصل، از سوی انتشارات دیدمان به زبور طبع آراسته شده است.

«معنا و مفهوم جنگ نرم»، «معنا و مفهوم «نفوذ» نظام سلطه از منظر مقام معظم رهبری»، «اصول و مبانی فکری غرب در نفوذ و سلطه فکری»، «ابعاد مختلف نفوذ فکری دشمن و اقدامات صورت گرفته از سوی نظام سلطه»، و «راهبردهای مقابله با مقدس خود فرمان می‌راند.» و ژان کالون به تأسی از لوتر، معتقد بود: «خداوند دو نظام... برقرار کرده است، نظام روحانی که با قانون عیسی و به مدد روح‌القدس مسیحیان و صالحان را به وجود می‌آورد دیگری نظام دنیوی که مانعی در برابر بکارگران ایجاب می‌کند تا به مدد اجبارهای بیرونی مجبور باشند خواسته یا ناخواسته به صلح و آرامش احترام بگذارند و آن را بر هم نزنند.»

نمی‌توان ایده‌ای تاریخی را مورد نقد قرار داد اما همه ابعاد تاریخی آن را واکاوی نکرد. مطالعه تاریخ و شیوه برخورد استبدادهای مخالف نهضت پروتستانیزم (از تکثیر گرائی برای اعدام‌های گروهی و سوزاندن کافران) نشان می‌دهد غایت اصلاحات دینی در مسیحیت به چه فرجامی دچار شد. حتی قوانین جمهوری ژنو، خود گویای ایمان راسخ کالون به این اصول استبدادی بود. مثلاً طبق قوانین «تمام افراد منزل مجبورند در مراسم مذهبی یک‌شبه شرکت کنند... کسانی که خدمتکار مرد یا زن دارند باید در صورت امکان آنها را همراه بیاورند تا آنها مثل حیوانات بدون تعلیمات زندگی نکنند... باید همه را از حضور نامنظم در مراسم موعظه بر حذر داشت، اگر آنها اصلاح نشدند باید جریمه‌ای معادل سه سوس بپردازند... مقامات و کارگزاران کلیسا اگر در هر موردی تعلیمات عمومی ایشان به اندازه کافی مؤثر نباشد باید در خانه‌های خصوصی آمدند را سزایش و به اعمال نیک آ ترغیب کنند چنانکه پولس مکرراً می‌گوید او در ملأ عام و از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر تعلیم می‌داد و خود را از خون همه آدمیان پاک می‌دانست و هیچ شب و روزی بدون اشک از اخطار کردن باز نمی‌ایستاد.»

عمق تاریکی استبداد نوظهور برخاسته از پروتستانیزم، موضوعی است که باید مورد مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد و ابعاد جنایتاتی که بانام «پاک‌دینی» در اروپا صورت گرفت واضح‌تر شود اما تلاش این یادداشت بر آن بود تا ضمن طرح این ایده و نوع تفکر علی شریعتی در این زمینه، به سطحی و مناقشه‌انگیز بودن آن حتی میان جریان روشنفکری چپ و راست معاصر اشاره کند.

صراط

می‌خواهند اسلام را مانند مسیحیت سکولار کنند



باید تلاش‌مان این باشد اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرفدار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. اسلام طرفدار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لبّ و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرفدار عقلانیت و ضدّ قشوری‌گری، ضدّ تحجّر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن – که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند – اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لایبالی‌گری، بله،

امروز دستگاه‌های فراوانی جوان‌ها را سه بی‌میلاتی، به لایبالی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق می‌دهند. خوب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار؛ اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشه کلیسا، خودش را زندانی می‌کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت می‌کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه مسجد یا گوشه خانه‌ها فرامی‌خواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا، اسلام جهاد و مبارزه با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به عهده همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی ما باید این هدف را دنبال بکنند.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۳/۱۲/۲۱

پیشخوان



توسط اندیشکده برهان

کتاب ریشه‌های نفوذ منتشر شد

کتاب ریشه‌های نفوذ با موضوع واکاوی راهبردها و اقدامات نظام سلطه در پیشبرد نفوذ فکری به همت اندیشکده برهان منتشر شد. به گزارش «جوان»، کتاب ریشه‌های نفوذ با موضوع واکاوی راهبردها و اقدامات نظام سلطه در پیشبرد نفوذ فکری به همت اندیشکده برهان منتشر شد. این کتاب که از مجموعه کتاب‌های جریان‌نگاشت و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است در ۲۲۸ صفحه و در ۵ فصل، از سوی انتشارات دیدمان به زبور طبع آراسته شده است.

«معنا و مفهوم جنگ نرم»، «معنا و مفهوم «نفوذ» نظام سلطه از منظر مقام معظم رهبری»، «اصول و مبانی فکری غرب در نفوذ و سلطه فکری»، «ابعاد مختلف نفوذ فکری دشمن و اقدامات صورت گرفته از سوی نظام سلطه»، و «راهبردهای مقابله با مقدس خود فرمان می‌راند.» و ژان کالون به تأسی از لوتر، معتقد بود: «خداوند دو نظام... برقرار کرده است، نظام روحانی که با قانون عیسی و به مدد روح‌القدس مسیحیان و صالحان را به وجود می‌آورد دیگری نظام دنیوی که مانعی در برابر بکارگران ایجاب می‌کند تا به مدد اجبارهای بیرونی مجبور باشند خواسته یا ناخواسته به صلح و آرامش احترام بگذارند و آن را بر هم نزنند.»

نمی‌توان ایده‌ای تاریخی را مورد نقد قرار داد اما همه ابعاد تاریخی آن را واکاوی نکرد. مطالعه تاریخ و شیوه برخورد استبدادهای مخالف نهضت پروتستانیزم (از تکثیر گرائی برای اعدام‌های گروهی و سوزاندن کافران) نشان می‌دهد غایت اصلاحات دینی در مسیحیت به چه فرجامی دچار شد. حتی قوانین جمهوری ژنو، خود گویای ایمان راسخ کالون به این اصول استبدادی بود. مثلاً طبق قوانین «تمام افراد منزل مجبورند در مراسم مذهبی یک‌شبه شرکت کنند... کسانی که خدمتکار مرد یا زن دارند باید در صورت امکان آنها را همراه بیاورند تا آنها مثل حیوانات بدون تعلیمات زندگی نکنند... باید همه را از حضور نامنظم در مراسم موعظه بر حذر داشت، اگر آنها اصلاح نشدند باید جریمه‌ای معادل سه سوس بپردازند... مقامات و کارگزاران کلیسا اگر در هر موردی تعلیمات عمومی ایشان به اندازه کافی مؤثر نباشد باید در خانه‌های خصوصی آمدند را سزایش و به اعمال نیک آ ترغیب کنند چنانکه پولس مکرراً می‌گوید او در ملأ عام و از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر تعلیم می‌داد و خود را از خون همه آدمیان پاک می‌دانست و هیچ شب و روزی بدون اشک از اخطار کردن باز نمی‌ایستاد.»

عمق تاریکی استبداد نوظهور برخاسته از پروتستانیزم، موضوعی است که باید مورد مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد و ابعاد جنایتاتی که بانام «پاک‌دینی» در اروپا صورت گرفت واضح‌تر شود اما تلاش این یادداشت بر آن بود تا ضمن طرح این ایده و نوع تفکر علی شریعتی در این زمینه، به سطحی و مناقشه‌انگیز بودن آن حتی میان جریان روشنفکری چپ و راست معاصر اشاره کند.